

بررسی جامعه‌شناختی رابطه بین اعتماد اجتماعی و میزان پایداری به فرهنگ

شهروندی

(مورد مطالعه: شهروندان شهر قزوین)

موسی سعادت^۱، الهام عباسی^۲، ساجده اسلامی^۳

چکیده

فرهنگ شهروندی مجموعه‌ای از ارزش‌ها، نگرش‌ها و قوانین مشترک بنیادی است که در بردارنده احساس تعلق، احترام به میراث مشترک و همچنین تشخیص حق و حقوق و تعهدات و مقررات شهروندی است. این نوع فرهنگ رویکردی نوین است و نتایج موثر آن در پیشرفت اجتماعی و فرهنگی جامعه غیر قابل انکار است. فرهنگ شهروندی هنجارها و ارزش‌های جامعه را رقم می‌زند و زمینه‌های تعامل شهروندان را شکل می‌دهد که در این امر نقش اعتماد اجتماعی بر آن اساسی است. پژوهش حاضر نیز، با هدف بررسی جامعه‌شناختی رابطه بین اعتماد اجتماعی و میزان پایداری به فرهنگ شهروندی در بین شهروندان شهر قزوین انجام شده است. روش تحقیق مورد استفاده در این تحقیق، پیمایشی بوده و جامعه آماری شامل کلیه شهروندان واقع در سنین ۱۵-۵۹ سال شهر قزوین است که از این تعداد ۴۰۰ نفر از طریق

۱- استادیار گروه جامعه‌شناسی، دانشگاه بین‌المللی امام خمینی، قزوین، ایران (نویسنده مسؤول)

m.saadati@soc.ikiu.ac.ir

E_abbasi55@yahoo.com

۲- هیأت علمی گروه علوم اجتماعی، دانشگاه پیام‌نور، تهران، ایران

۳- دانشجوی کارشناسی ارشد جامعه‌شناسی، دانشگاه علامه طباطبایی، تهران، ایران

sajedesllami@gmail.com

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۴/۲۸

تاریخ وصول: ۱۴۰۰/۱/۱۷

فرمول آماری کوکران و به شیوه نمونه‌گیری خوشه‌ای جهت گردآوری اطلاعات لازم انتخاب شدند. جهت تجزیه و تحلیل اطلاعات گردآوری شده، از نرم افزار SPSS استفاده شده است. نتایج حاکی از آن است که رابطه بین متغیرهای اعتماد بین شخصی، اعتماد به شهروندان و اعتماد به نهادهای غیردولتی با مولفه‌های فرهنگ شهروندی (میزان پایبندی به ارزش‌های فردی و جمعی و میزان پایبندی به هنجارهای فرهنگ شهروندی) به لحاظ آماری معنادار بوده است و نوع رابطه نیز مثبت و مستقیم می‌باشد. نتایج حاصل از تحلیل رگرسیونی نیز نشان داد که متغیرهای حاضر در مدل رگرسیونی توانسته است ۲۹/۵ درصد از تغییرات متغیر میزان پایبندی به فرهنگ شهروندی را تبیین نماید.

واژه‌های کلیدی

اعتماد اجتماعی، اعتماد بین شخصی، اعتماد نهادی، فرهنگ شهروندی

بیان مسأله

شهروندان بنیان و کالبد جامعه هستند و با عملکرد خود نقش اساسی در جامعه شهری ایفا می‌کنند و تاثیرات گوناگونی را بر جامعه می‌گذارند. شهروندان به عنوان اساس جامعه باید حقوق فردی و جمعی خودشان را به درستی بشناسند و از آن به صورت جسورانه دفاع کنند و قانون و اصول‌های مربوط به زندگی را به‌طور کامل بلد باشند تا بتوانند مسیرهای درست مربوط به شهروندی مناسب را که به عنوان یکی از شاخص‌های مهم پیشرفت و توسعه یافتگی کشورها است را هموارکنند، در بحث مربوط به شهروندی آنچه از اهمیت بسیاری برخوردار است و به عنوان یک امر جدا نشدنی از شهروندی محسوب می‌شود فرهنگ شهروندی است، فرهنگ شهروندی مجموعه‌ای از ارزش‌ها و نگرش‌ها و قوانین بنیادی است که دربردارنده احساس تعلق، احترام به میراث مشترک و همچنین تشخیص حق و حقوق، تعهدات و مقررات شهروندی است. از آنجا که شهروندی بدون توجه به مقوله فرهنگ قابل تصور نیست و ایجاد و تعمیق فرهنگ شهروندی می‌تواند حل‌کننده بسیاری از مسائل شهری باشد (آذین، ۱۳۹۶: ۱۰۴). فرهنگ

شهروندی شراکت فعال شهروندان جامعه با ارزش قائل شدن برای اصول‌های دموکراتیک شهروندی و مسئولیت‌پذیری همگانی را به همراه دارد و با اهمیت یافتن مسائل جهانی به مهم‌ترین مسأله اجتماعی دوران حاضر تبدیل شده است. مهم‌ترین عاملی که در پذیرش فرهنگ شهروندی نقش دارد مقوله اعتماد اجتماعی است گفته می‌شود اعتماد اجتماعی یکی از جنبه‌های مهم روابط انسانی و اجتماعی در میان گروه‌ها و نهادهای اجتماعی است و در جریان تعامل‌های اجتماعی نقش مهمی را در ایجاد همبستگی در اجتماع ایفا می‌کند و زمینه‌ساز تعاملات اجتماعی است، بدون اعتماد اجتماعی جامعه و زندگی اجتماعی دچار مشکل می‌شود (محسنی تبریزی و همکاران، ۱۳۹۰: ۴۳). اعتماد اجتماعی دارای دو تاثیر در جامعه است: اول، بر افکار عموم تاثیر می‌گذارد و دوم، برقراری صلح و امنیت در جامعه است (جاستون^۱، ۲۰۱۸: ۱). Justwan Et al, 2018: 10). اعتماد اجتماعی عامل اساسی در ارتقای فرآیندهای فرهنگ شهروندی محسوب می‌شود و یکی از اصلی‌ترین عواملی که می‌تواند باعث گسترش فرهنگ شهروندی در سراسر ساختار و سازمان شهرها شود و ایجاد حس اطمینان را در شهروندان ایجاد کند اعتماد اجتماعی است. اعتماد اجتماعی به نوبه خود در حفظ فرهنگ شهروندی نقش اصلی و ضروری و انکار ناپذیری را ایفا می‌کند این امر در واقع نوعی تمرین اساسی است که در فرهنگ شهروندی باید به آن اهمیت داده شود و امروزه مسلم است که رسیدن به توسعه در فرهنگ شهروندی و فراهم کردن بستر مناسب آن بدون اعتماد اجتماعی ممکن نیست و این نوع اعتماد به عنوان یک بنیه اساسی در جامعه است که به عنوان یک بستر مناسب نبود آن باعث افزایش آسیب‌ها و مسائل اجتماعی در جامعه می‌شود که بر بنیان‌های فرهنگ شهروندی موثر است و فقدان آن در بین شهروندان باعث ایجاد عقاید قالی خصمانه، پیش داوری و گرایش‌های تدافعی در جامعه می‌شود و فرهنگ شهروندی بر اساس اعتماد اجتماعی موجود در خود نمادها و سمبلیک‌های شهروندی را مشخص می‌کند.

به‌طورکلی، لازمه حل مسائل شهری، بحران‌های شهری و اصلاح رفتار شهروندان،

وجود یک فرهنگ مناسب شهروندی و شهرنشینی است که این مفاهیم جزء پایه‌های اصلی و اساسی تداوم شهری است و همه اجزای یک زندگی شهری باید با در نظر گرفتن نقش فرهنگ در مناسبات اجتماعی شهر، سعی کنند، تعادل لازم را به وجد آورند. قوانین مربوط به شهرنشینی امروزه در قالب شهروند تداومی می‌شود، اما باید به این مهم توجه کرد که تنها استقرار فیزیکی در شهر به معنای شهروند نیست، بلکه شهروند باید در مدیریت بهینه شهر ایفای نقش نماید، زیرا شهروندی بستر اجتماعی مناسبی را برای کنش‌های فرد مهیا می‌کند تا فرد بتواند در راستای پیشرفت خود و به مراتب توسعه فرهنگی و اجتماعی شهر موثر واقع شود. از طرفی، شهرنشینی در سال‌های اخیر در بیشتر کشورهای در حال توسعه از جمله کشور ایران، به شدت گسترش پیدا کرده است به گونه‌ای که جمعیت شهرنشین از ۳۰ درصد در سال ۱۳۳۵ به بیش از ۷۰ درصد در سال ۱۳۹۰ افزایش یافته است (همتی و احمدی، ۱۳۹۲: ۱۴۲). بنابراین، با در نظر گرفتن این روند و توجه به نتایج تحقیقات انجام یافته در این حوزه می‌توان اذعان نمود که شهروندی، عدم پایداری به فرهنگ شهروندی و عدم آگاهی افراد جامعه از حقوق و مسئولیت‌های شهروندی خود از جمله موضوعات و مسائل مهم حوزه شهری جامعه ما می‌باشد؛ در این راستا، پژوهش حاضر با در نظر گرفتن مباحث فوق، درصدد پاسخ‌گویی به سوالات زیر می‌باشد؛ میزان پایداری به فرهنگ شهروندی در بین شهروندان شهر قزوین در چه حدی است؟ میزان اعتماد اجتماعی در بین شهروندان شهر قزوین در چه حدی است؟ چه رابطه‌ای بین اعتماد اجتماعی و میزان پایداری به فرهنگ شهروندی در بین شهروندان شهر قزوین وجود دارد؟

پیشینه تجربی تحقیق

نتایج پژوهش حیدرخانی (۱۳۹۷)، با عنوان بررسی نقش سرمایه اجتماعی در پایداری به فرهنگ شهروندی در بین شهروندان شهر کرمانشاه با شیوه پیمایش و ابزار پرسش‌نامه نشان داد که بین مولفه‌های سرمایه اجتماعی و پایداری به فرهنگ شهروندی به عنوان

یک بنیه و امر اساسی در جامعه رابطه مثبت و معنا داری وجود دارد و تاثیر آن بر فرهنگ شهروندی بستر مناسبی را برای حل مسائل اجتماعی فراهم می‌کند.

نتایج تحقیق آذین (۱۳۹۶)، با عنوان بررسی نقش سرمایه اجتماعی در پابندی به فرهنگ شهروندی در بین شهروندان شهر اصفهان با شیوه پیمایش و ابزار پرسشنامه و انتخاب ۴۰۰ نفر از شهروندان بالای ۱۸ سال به عنوان حجم نمونه نشان داد که فرهنگ شهروندی هنجارهای جامعه را رقم می‌زند و بین میزان کل سرمایه اجتماعی و پابندی به فرهنگ شهروندی ارتباط مثبت و معنادار وجود دارد و متغیر سرمایه اجتماعی بر متغیر پابندی به فرهنگ شهروندی تاثیرگذار است.

نتایج پژوهش نیازی و جعفرپور (۱۳۹۵)، با عنوان تبیین عوامل اجتماعی و فرهنگی موثر بر فرهنگ شهروندی شهروندان تهرانی در سال ۱۳۹۳ با شیوه پیمایش و ابزار پرسشنامه نشان داد همبستگی مثبت و معنادار بین هریک از متغیرها (اعتماد اجتماعی، سرمایه اجتماعی، سرمایه اقتصادی و سرمایه فرهنگی) با میزان پابندی به فرهنگ شهروندی را تایید کرد تحقق فرهنگ شهروندی مستلزم تقویت و ارتقای هریک از متغیرها و تغییر نگرش نسبت به مفهوم شهر به منزله پیکری واحد و موجود زنده روح حاکم بر شهر و پویایی جریان زندگی شهری با تاکید بر عوامل اجتماعی و فرهنگی است. بخشی از نتایج مهدوی و عاشوری (۱۳۹۳)، با عنوان بررسی عوامل اجتماعی و اقتصادی موثر بر ارتقا فرهنگ شهروندی (مورد مطالعه شهر بوشهر)، با شیوه پیمایش و ابزار پرسش نامه نشان داد که متغیر آگاهی از حقوق شهروندی، آگاهی از رویدادها و مناسبات داخلی و خارجی، اعتماد، مسئولیت‌پذیری و رسانه بر ارتقای فرهنگ شهروندی تاثیر دارد. متغیرهای قانون مداری، منافع جمعی، عام‌گرایی، دسترسی به مراکز فرهنگی و درآمد و مسکن رابطه معناداری با متغیر وابسته نشان می‌دهد.

نتایج پژوهش همتی و احمدی (۱۳۹۳)، با عنوان تحلیل جامعه‌شناختی از وضعیت فرهنگ شهروند و عوامل تبیین کننده آن (مورد مطالعه شهر ایوان) با شیوه پیمایش و ابزار پرسشنامه نشان داد مجموعه پاسخگویان نمره متوسط به بالایی از شاخص فرهنگ

شهروندی کسب کرده‌اند و همچنین بین باورهای مذهبی و شاخص ترکیب فرهنگ شهروندی رابطه مثبت وجود دارد و بین احساس آنومی و شاخص ترکیب فرهنگ شهروندی رابطه منفی وجود دارد.

یافته‌های پژوهش وثوقی و رحمانی (۱۳۹۲)، با عنوان بررسی راهکارهای افزایش اعتماد اجتماعی میان مدیریت شهری و شهروندان تهرانی (مطالعه موردی: مناطق ۳ و ۷ و ۱۹ کلانشهر تهران)، با شیوه پیمایش و ابزار پرسشنامه نشان داد میزان اعتماد بین شخصی اکثریت پاسخگویان به کارگزاری شهری در حد پایین میزان اعتماد نهادی آن‌ها به مدیریت شهری در حد متوسط و در نهایت میزان اعتماد اغلب پاسخگویان به مدیریت شهری در حد متوسط و در نهایت میزان اعتماد اغلب پاسخگویان به مدیریت شهری در حد متوسط به پایین می‌باشد.

نتایج پژوهش اذانی و همکاران (۱۳۹۰)، با عنوان تحلیلی بر فرهنگ شهروندی در شهر یزد به شیوه پیمایش و ابزار پرسش نامه نشان داد شهروندان یزدی در ابعاد سه‌گانه شهروندی یعنی مشارکت جویی مسئولیت‌پذیری و رعایت قوانین و در نهایت پایبندی به اصول شهروندی در حد متوسط می‌باشند.

نتایج پژوهش قریشی و صداقت (۱۳۸۸)، با عنوان بررسی نقش عوامل فرهنگی - اجتماعی مرتبط بر شکل‌گیری اعتماد اجتماعی شهروندان شهر تبریز با شیوه پیمایش و ابزار پرسشنامه نشان داد متغیرهای سطح شهروندی، نگرش دینی، مشارکت اجتماعی، پایگاه اجتماعی - اقتصادی، فقر فرهنگی، جنسیت، وضعیت تأهل، تحصیلات، سن، شغل با اعتماد اجتماعی رابطه معناداری وجود دارد.

نتایج پژوهش هاشمیان‌فر و گنجی (۱۳۸۸)، با عنوان تحلیلی بر فرهنگ شهروندی در شهر اصفهان با شیوه پیمایش و ابزار تأهل نشان داد رفتار شهروندان و کیفیت مشارکت آنان در امور جامعه یکی از الزامات اساسی سرمایه اجتماعی و ابعاد توسعه‌یافتگی جوامع محسوب می‌شود.

نتایج پژوهش شولا و همکاران (۲۰۲۰)، با عنوان کانال‌های همکاری برای دانشوری

فرهنگ شهروندی و اهداف توسعه پایدار نشان داد علم فرهنگ شهروندی به عنوان مشارکت افراد و گروه‌ها در فرایندها شناخته می‌شود و توصیه‌هایی برای مشارکت آینده در چارچوبی از تعاملات در سطوح مختلف برای علوم شهروندی ارائه می‌شود.

نتایج پژوهش کیو و همکاران (۲۰۱۹)، با عنوان تاثیر رهبری اصیل بر اعتماد رهبران، فرهنگ شهروندی سازمانی و کیفیت خدمات در صنعت مهمان‌نوازی چین نشان داد. وجود رهبری معتبر تاثیر بسیاری بر ارتقا فرهنگ شهروندی و افزایش کیفیت فرهنگ سازمان‌ها و خدمات حاصله از آن‌ها را دارد.

نتایج پژوهش الکندری و ویت (۲۰۱۹)، با عنوان تاثیر فرهنگ شهروندی بر مسئولیت اجتماعی کشور کویت نشان داد که زیرساخت‌های کشور کویت اعم از عوامل سیاسی و اقتصادی و انتظارات اجتماعی تحت تاثیر فرهنگ شهروندی آن کشور قرار دارد.

نتایج پژوهش نیکولتا پوسیکو (۲۰۱۸)، با عنوان رفتار و فرهنگ شهروندی سازمانی نشان داد بین رفتار و فرهنگ شهروندی سازمانی و هوش فرهنگی رابطه وجود دارد و رفتار و فرهنگ شهروندی سازمانی که در ذات خود یک رفتار غیر رسمی است و هوش فرهنگی شکلی از هوش انسانی که توانایی سازگاری یک فرد را در یک محیط چند فرهنگی مثل شهر برجسته می‌کند.

نتایج پژوهش تندر و همکاران (۲۰۱۸)، با عنوان اهمیت رفتار فرهنگ شهروندی مشتری در محیط خرده‌فروشی مدرن: معرفی و آزمایش مدل تبادل اجتماعی نشان داد از طریق پذیرش فناوری رفتار فرهنگ شهروندی پس از مصرف فناوری دیجیتال گسترش داده می‌شود و محدوده تعهد عاطفی نیز با این روابط تقویت می‌شود.

نتایج پژوهش ایوب‌غلو (۲۰۱۶)، با عنوان رفتار فرهنگ شهروندی سازمان هیات علمی در قبرس شمالی نشان داد کارکنان دانشگاهی خود را به عنوان مشارکت در فرهنگ شهروندی سازمانی درک می‌کنند و با نگرش‌های مثبت انتظار می‌رود که نتایج مثبتی را در اختیار هیات علمی و هم‌چنین دانشگاه قرار می‌دهد.

نتایج پژوهش گوانگ کو و یانگ (۲۰۱۵)، با عنوان عدم اطمینان و اعتماد اجتماعی

همکاری زنجیره‌ای تامین نشان داد اعتماد اجتماعی مستقیم بر تجارت تاثیر می‌گذارد که بر فرهنگ شهروندان به طور زیاد تاثیر می‌گذارد جلوگیری از عدم اطمینان بین رابطه شهروندی را تعدیل می‌کند.

نتایج پژوهش موکوس و همکاران (۲۰۱۲)، با عنوان ساختار فرهنگ شهروندی در بوگوتا نشان داد فرهنگ شهروندی تاثیر بسیاری بر زندگی ساکنان شهر دارد و بی‌نظمی اجتماعی و فساد و خشونت را مورد هدف قرار می‌دهد.

نتایج پژوهش میدلتون (۲۰۱۱)، با عنوان جعبه ابزار فرهنگ شهروندی پشتیبانی مورد نیاز را ارائه می‌دهد نشان داد که نیاز به یادگیری مهارت‌هایی برای فرهنگ شهروندی از قبیل اعتماد بین شخصی، توانایی گفت و گو، انتخاب صحیح، مهارت‌های استفاده از رسانه‌های جمعی و فناوری به عنوان یک فعالیت گروهی و استفاده از اینترنت در بین شهروندان است یک جامعه است که موجب ارتقای فرهنگ شهروندی می‌شود.

نتایج پژوهش پارک و شین (۲۰۰۳)، با عنوان سرمایه اجتماعی و فرهنگ شهروندی دموکراتیک کره جنوبی به این نتیجه رسیدند که درگیری اجتماعی به عنوان بعد عینی سرمایه اجتماعی بیشتر جنبه رفتار شهروندی را توسعه می‌دهد در حالی که اعتماد اجتماعی به عنوان بعد ذهنی سرمایه بیشتر وجه نگرشی شهروندی را ارتقاء می‌دهد.

نتایج پژوهش روش (۲۰۰۱)، با عنوان ساختار فرهنگ شهروندی در بوگوتا نشان داد فرهنگ شهروندی تاثیر بسیاری بر زندگی ساکنان شهر دارد و بی‌نظمی اجتماعی و فساد و خشونت را مورد هدف قرار می‌دهد.

نتایج پژوهش لی (۱۹۹۹)، با عنوان ویژگی‌های فرهنگ شهروندی برای درک قرن جدید رهبران آموزشی آسیایی نشان داد شهروندانی که از فرهنگ شهروندی بهره‌مند هستند از ویژگی‌های زیر برخوردارند: آگاهی از مسائل و مشکلات جامعه، مشارکت فعال در امور جامعه، مسئولیت‌پذیری، رفتار مبتنی بر اخلاق، آگاهی و دانش نسبت به جامعه جهانی و احترام به تنوع و تکثر فرهنگ شهروندی.

مبانی نظری

برنارد باربر معتقد است سه نوع انتظار وجود دارد که بخشی از صفات اساسی اعتماد را می‌سازد کلی‌ترین انتظار انتظار پایداری و تحقق نظم اجتماعی اخلاقی و طبیعی است. دومین انتظار انتظار اجرای نقش تکنیکی کسانی است که همراه با ما در روابط و نظام‌های اجتماعی وارد شده‌اند و بالاخره سومین آن انتظاراتی است که طرفین تعامل وظایف و مسئولیت‌های خود را انجام می‌دهند یعنی تکالیف و وظایفی که افراد را موظف می‌کند علائق دیگران را بر علائق فردی ترجیح دهند از نظر وی اعتماد می‌تواند ابعاد متفاوتی به این شرح داشته باشد: اعتماد به صداقت و درستی، پایبندی به اصول اخلاقی، اعتماد به کارایی و کارآمدی یا توانایی اجرای وظایف محوله نقش و ترجیح منافع جمعی به منافع فردی. طبق نظر وی، اعتماد می‌تواند در جامعه طیف وسیعی از انتظارات را ایجاد کند که افراد جامعه باید به آن را رعایت کنند و این نوع اعتماد بخش اساسی جامعه را تشکیل می‌دهد (گیدنز، ۱۳۷۷: ۱۲۶). نیکلاس لومان هم در نظریه خود در باب کارکرد اعتماد معتقد است که نبود اعتماد در جامعه مشکل‌آفرین است او به این امر تاکید کرده است که افراد باید به‌طور ارادی و به اقتضای زمان و ضرورت به دیگران اعتماد کنند در نتیجه از منظر لومان اعتماد یک سازوکار اجتماعی است که در آن انتظارات، اعمال و رفتار انسان‌ها هدایت و تنظیم می‌شود و درنهایت اینکه به اعتقاد لومان در صورت اجرای درست قوانین در جامعه و اعمال قدرت مشروع از سوی متصدیان مربوط، همکاری و مشارکت اعضای جامعه را در کلیه سطوح خواهیم دهید که این امر از تبعات اعتماد به یکدیگر است و خود تقویت‌کننده اعتماد به دیگران است. دیوید جانسون نیز مساله اعتماد را در سطح خرد و بین شخصی و گروه‌ها را مورد کاوش قرار داده و معتقد است اعتماد برای رشد و گسترش روابط ملزوم است و نخستین بحرانی که بیش‌تر روابط با آن روبه‌رو شدند مربوط به توانایی فرد در اعتماد کردن است برای ایجاد ارتباط فرد باید سعی کند فضایی آکنده از اعتماد به وجود بیاورد که ترس‌های خودش و دیگران را طرد کند و آن را کاهش دهد و روحیه امید به پذیرش و تایید و طرفداری و حمایت را ارتقا ببخشد اعتماد یک ویژگی شخصیتی و بدون تغییر

نیست. اعتماد زمینه‌ای از روابط است که دائماً در حال تغییر است هر آنچه که افراد انجام می‌دهند سطح اعتماد را در روابط کاهش یا افزایش می‌دهد و در ایجاد و حفظ اعتماد در روابط دو جانبه کنش‌های هر دو طرف از اهمیت زیادی برخوردار است. از نظر وی اعتماد سازوکار اجتماعی است که در آن انتظارات اعمال و رفتار افراد تنظیم و هدایت می‌شود، لومان در بحث خود اعتماد را به عنوان یک امر ارزشی می‌داند که به نوبه خود مشروعیت را در جامعه و شهر ایجاد می‌کند و باعث می‌شود رفتار افراد در محدود ضوابط خاصی شکل بگیرد (تاج‌الدین، ۱۳۹۲: ۲۶).

آنتونی گیدنز از چهار نوع اعتماد بحث می‌نماید؛ اعتماد و امنیت وجود که مربوط به دوران کودکی است. گیدنز اعتماد را عامل احساس امنیت وجودی می‌داند که موجود انسانی را در نقل و انتقال در فضای اغتشاش و در حال و هوای خالی از خطرهای پیش‌بینی ناپذیر و احتمالی قوت قلب می‌بخشد. اعتماد به نظام‌های انتزاعی و تخصصی، آنتونی گیدنز نظام‌های انتزاعی را نظام‌های انجام مهارت فنی و تخصصی می‌داند که بخش‌ها وسیع از محیط مادی و اجتماعی زندگی امروزی ما را به وجود می‌آورد به نظر آنتونی گیدنز ما از اعتماد به نهادهای جدید و نظام‌های انتزاعی در موقعیتی که بسیاری از زمینه‌های مدرن جهانی شده باشد ناگزیریم به این معنا که هیچکس نیست که بتواند از نظام‌های حرفه‌ای در نهادهای مدرن کاملاً دوری کند و زندگی در دوران جدید به وسیله نظام‌های انتزاعی تخصصی قسمت قسمت می‌شود و یک فرد نمی‌تواند مثل گذشته بیش‌تر کارهایش مستقل انجام بدهد. اعتماد در روابط فردی؛ در دوران پیش از مدرن روابط فردی تابع قوانین بیرونی مثل تعهدات خویشاوندی بود در حالی که در دوران جدید روابط فردی که بیش‌تر به صورت رابطه منحصر به فرد می‌آید وابسته به اعتماد متقابل است که آن را باید به وجود آورد و اعتماد به طرف مقابل را جلب کرد ارتباط منحصر به فرد و ناب ارتباطی است که عوامل بیرونی در آن تحلیل رفته و برای پاداشی به وجود می‌آید که از نفس ارتباط حاصل می‌شود در ارتباط ناب اعتماد چیز مطمئن و از قبل مشخص شده نیست. زمینه‌های اعتماد در دوران پیش مدرن و مدرن؛ گیدنز اعتماد را

از مؤلفه‌های اصلی مدرنیته می‌داند و چهار زمینه اعتماد خویشاوندی، اجتماع محلی، سنت و کیهان‌شناسی مذهبی بر فرهنگ‌ها پیش از مدرن تسلط دارند در حالی که در دوران مدرن اعتماد به نظام‌های انتزاعی و نمادها و نظام‌های کارشناسی جای این نوع اعتماد گرفته است گیدنز معتقد است که مشخصه جوامع مدرن اعتماد بالقوه است و منابع اصلی اعتماد در جوامع صنعتی اهمیت خود را از دست داده‌اند و بنابر گفته گیدنز اعتمادها بر دو نوع تقسیم می‌شوند یکی قابلیت اعتماد است که میان افرادی که خوب هم دیگر را می‌شناسند و آشنایی طولانی برقرار می‌شود یعنی افرادی که صلاحیت‌های لازم را برای قابل اعتماد بودن در نظر همدیگر به اثبات رسانده‌اند اما قابلیت اعتماد بر مبنای مکانیسم‌های از جاکننده چیز دیگر است و در اینجا اعتمادپذیری عامل مهمی است در جمع‌بندی می‌توان گفت گیدنز ایجاد حس اعتماد در جامعه را که بخش‌های مختلف را شامل می‌شود محصول اعتماد می‌داند (گیدنز، ۱۳۷۷: ۹۹).

مفهوم اعتماد برای کلمن یک مفهوم محوری است به نظر او افراد برای این به کنش اجتماعی می‌پردازند که نیازهای خود را رفع کنند و رفع نیازها تنها از طریق بده بستان‌ها امکان‌پذیر است بنابراین بده بستان‌ها و مبادله‌ها در ساختن کنش‌های اجتماعی نقش اساسی دارند اما یک تفاوت اساسی بین نوع مبادله و آنچه که در مدل کلاسیک بازار کامل وجود دارد نقش اساسی زمان است در بازار کامل مبادلات مبتنی بر هزینه و آنی هستند این عدم تقارن زمانی که در اغلب مدل‌های بازار کامل وجود ندارد در مبادله‌های اجتماعی یافت می‌شود و در واقع نوعی ریسک را وارد رابطه اجتماعی می‌کند و بازیگران مجبورند منافع خود را سرمایه‌گذاری کنند تا پس از یک دوره زمانی منافع عاید آنان گردد اما چه اطمینان وجود دارد که یک طرف یا طرفین مبادله به دنبال سوء استفاده نباشد. بنابراین از دید کلمن روابط انسانی بر اساس سود و زیان شکل می‌گیرد و کنش‌های انسانی نوعی مبادله اجتماعی و زمینه‌ساز اتحاد بین شخصی‌اند اعتماد از منظر وی خطر است که فرد در وضعیت مبادله اجتماعی می‌پذیرد و کنش اعتمادکننده به عملکرد کنش اعتماد شونده بستگی دارد (تاج‌الدین، ۱۳۹۱: ۲۵). کلمن در بحث افزایش

و کاهش میزان اعتماد معتقد است که برقراری اعتماد منابعی را در اختیار فرد امین قرار می‌دهد و اگر فرد قابل اعتماد باشد برقراری ارتباط برای اعتمادکنندگان نیز منفعت به بار می‌آورد. وی معتقد است کنش‌ها در جامعه به صورت مبادله اجتماعی نگریسته می‌شود که باعث ایجاد اعتماد شخصی در افراد می‌شود و زمینه را برای ایجاد اعتماد اجتماعی فراهم می‌کند (کلمن، ۱۳۷۷: ۲۸۷).

اوفه نیز انواع اعتماد اجتماعی را شامل اعتماد شهروندان به همشهرهای خود یا مقوله فرعی و بنای دیگران؛ اعتماد شهروندان به نخبگان سیاسی یا نخبگان سایر بخش‌ها (از قبیل نمایندگان کلیساها، رسانه‌ها، پلیس، نظام دادگاه یا پزشکان)؛ اعتماد نخبگان به یک دیگر و نخبگان دیگر بخش‌ها از قبیل نخبگان بخش‌های تجاری، کارگری، دینی، دانشگاهی، ارتشی و... می‌داند. وی معتقد است اعتماد اجتماعی بیش‌تر در میان افراد که ذهنیت برتری دارند صورت می‌گیرد تا زمینه را برای ایجاد ساخت جامعه سالم فراهم آورند (معیدفر، ۱۳۸۸: ۵۲).

تی اچ مارشال، حقوق و فرهنگ شهروندی را امری موثر در جامعه می‌داند در خصوص حوزه فرهنگ شهروندی به سه نوع حقوق شهروندی اشاره می‌کند که در طی سه قرن این حقوق شکل گرفته است: حقوق مدنی: نخستین حقی است که در جامعه به وجود آمده و عبارت است از حقی که امکان تملک دارایی‌ها، التزام به قرار دادها، آزادی‌های حزبی و آزادی فکر و اندیشه را فراهم می‌کند از نظر او در جایی که حقوق مدنی وجود ندارد امکان آزادی فردی و سرمایه‌گذاری اقتصادی نیز وجود ندارد. حقوق سیاسی: عبارت است از حقوق که امکان شرکت مردم در تصمیمات عمومی کشور با تشکیل حزب‌های سیاسی و برگزاری انتخابات فراهم می‌کند. حقوق اجتماعی: عبارت است از حقوقی که امکانات و خدمات رفاهی حمایتی از افراد و خانوادهای آسیب پذیر از دیدگاه ایجاد تعادل در زندگی رفاهی آن افراد فراهم می‌کند. مارشال مفهوم شهروندی را با طبقه‌های اجتماعی در ساختار پرداختن‌های تضادی پنهان در شکل و صور سرمایه در بریتانیا شرح داده است او مفهوم فرهنگ شهروندی با طبقه اجتماعی آمیخته می‌داند.

روئستاین هم مانند مارشال به بحث فرهنگ شهروندی پرداخته است. وی در نظریه خود چرایی برخی رفتارها و نگرش‌های شهروندی را تبیین می‌کند، بر نقش مهم نهادهای حکومتی و سیاسی در ایجاد و تداوم دست می‌گذارد. استدلال اصلی او این است که اعتماد از پایین تولید نمی‌شود بلکه از بالا تولید می‌شود دقیق‌تر اینکه نوع خاصی از نهادهای سیاسی هستند که اعتماد تولید می‌کنند نهادهای حکومتی و خط مشی‌هایی که برابری سیاسی حقوقی و اجتماعی تولید می‌کنند و بر اصول انصاف و صداقت و بی‌طرفی برپا شده اند اعتماد به بار می‌آورند. بر مبنای منطق کنش جمعی شهروند باید اعتماد داشته باشند که اکثر شهروندان به عوض سواری مجانی راه همکاری در پیش می‌گیرند او بیان می‌کند نهادهای حکومتی و سیاسی در ایجاد و تداوم اعتماد دست می‌گذارند. استدلال اصلی روئستاین این است که اعتماد اجتماعی فرایندی است که از بالا تولید می‌شود و نوع خاص نگرش سیاسی وجود دارد که اعتماد را تولید می‌کند. در واقع، نهادهای حکومتی و خط مشی‌هایی که برابری سیاسی، حقوقی و اجتماعی تولید می‌کنند و بر اصول انصاف راستگویی و بی‌طرفی بنیان نهاده شده‌اند، اعتماد را به وجود می‌آورند. این دولت‌ها هستند که باعث ایجاد چنین موقعیتی می‌شوند اعتماد نکردن و همکاری نکردن باعث گرفتار شدن در دام اجتماعی می‌شود که در دراز مدت باعث زیان کنشگران می‌گردد و تاثیرات بدی بر ساختارهای جامعه می‌گذارد. بنابراین دولت‌ها برای استقرار فرهنگ شهروندی باید حس اعتماد را در اجتماع نسبت به خود ایجاد کنند تا زمینه ارتقاء جامعه را فراهم بکنند (بهرامی و همکاران، ۱۳۹۸: ۳۸). بر این اساس می‌توان گفت نهادهای حکومتی زمینه‌ای را برای ایجاد اعتماد اجتماعی قوی در جامعه فراهم می‌کنند که به نوبه خود می‌توانند فرهنگ شهروندی را در میان ساکنان شهر تقویت نمایند (بهرامی و همکاران، ۱۳۹۸: ۳۸).

برایان ترنر و جنیفر معتقدند که شهروندی از یک سو بیان‌گر مجموعه‌ای از حقوق و تعهدات جهان شمول است که برای تمام اعضای یک ملت قابل حصول می‌باشد و از سوی دیگر مستلزم توسعه دموکراسی و مشارکت گروه‌های متنوع فرهنگی در تصمیم

گیری‌ها است که به نوع خود زمینه ایجاد فرهنگ شهروندی را ایجاد می‌کند و وجود حقوق در جامعه باعث افزایش میزان اعتماد در شهروندان می‌شود و نهایتاً فرهنگ شهروندی را تحت تاثیر قرار می‌دهد (آذین، ۱۳۹۶: ۱۱۰). گراهام در نظر خود تاکید بر شکل‌گیری فرهنگ شهروندی بر پایه حقوق شهروندی داشت و مولفه‌های رفتار شهروندی در ابعاد مختلف به عنوان نشانگان شهروند فعال می‌داند و بعد اول آن را احترام و فرمان برداری از قوانین و فرایندها و ساخت‌های نظم می‌داند یعنی ساکنان شهر برای فرمان برداری از قوانین و مقررات موجود که حمایت‌کننده آنان است مسئول هستند و بعد دوم وفاداری و پایبندی است که ساکنان شهر باید به منافع دیگران و جامعه توجه کنند شهروندان پایبند به جامعه و مسئولیت‌پذیر ارتباطات خود را با دیگران گسترش می‌دهند و فردی که پایبند به جامعه است خود را از اطلاعات و خبرها مطلع نگه می‌دارد و ایده‌های خودش را با دیگران تقسیم می‌کند درباره موضوعات مختلف وارد بحث و گفت‌وگو می‌شود و خود در انتخابات شرکت می‌کنند و دیگران هم به شرکت در انتخابات تشویق می‌کنند (گنجی و همکاران، ۱۳۹۳: ۷). توبیاس نیز در نظریه خود معتقد است فرهنگ شهروندی مقوله‌ای فرهنگی بوده و مجموعه‌ای از قوانین مقررات و توانمندی‌های اکتسابی تمامی افراد جامعه را در بر می‌گیرد بر اساس او امر او می‌توان به این نتیجه رسید حق و مقررات به عنوان آیتم‌های اصلی ایجاد فرهنگ شهروندی مناسب است (بخارایی و همکاران، ۱۳۹۶: ۱۹۳).

جانونسکی هم در نظریه خود بیان می‌کند که وقتی شهروند فعال و پایبند در عرصه خصوصی سازمان کارا و اثربخش در عرصه عمومی و حاکمیت خوب در عرصه دولت مشکل بگیرد و به هم پیوند بخورد و ارتباط برقرار کند فرهنگ شهروندی شکل می‌گیرد و آنچه باعث می‌شود این عرصه‌ها به هم پیوند بخورد حقوق و تعهداتی است که به‌طور خصوصی نسبت به یک دیگر و به‌طور عام نسبت به جامعه دارند هر یک جامعه به سوی شهروندی فعال سازمان کارا و حاکمیت خوب پیش برد آن جامعه بیش‌تر به تحقق فرهنگ شهروندی نزدیک می‌شود (ازانی و همکاران، ۱۳۹۰: ۸۰). طبق نظر گی ارمه

فرهنگ شهروندی سه ویژگی دارد؛ شهروندی باید از قبل بر یک الفبای مقدماتی و شناخت از تاریخ و محیط پی ریزی شود و شهروند باید بتواند پنجره بگشاید در انزوا زندگی نکند و فقط با همسایگان نزدیک خود به معاشرت نپردازد و با غریبه‌ها هم به معاشرت پردازد؛ فرهنگ شهروندی تحصیل قواعد سلوک واقعی از لحاظ رفتار است شهروند باید هم از وظایف و هم باید از حقوق خود آگاه شود؛ اخلاق مدنی است و نوعی ویژگی تکلیف‌مدرانه است و کثرت‌گرایی و آزادی حاکم است اخلاق مدنی بیش‌تر با جامعه‌سازگاری دارد (سلیمیان، ۱۳۹۶: ۱۳۹).

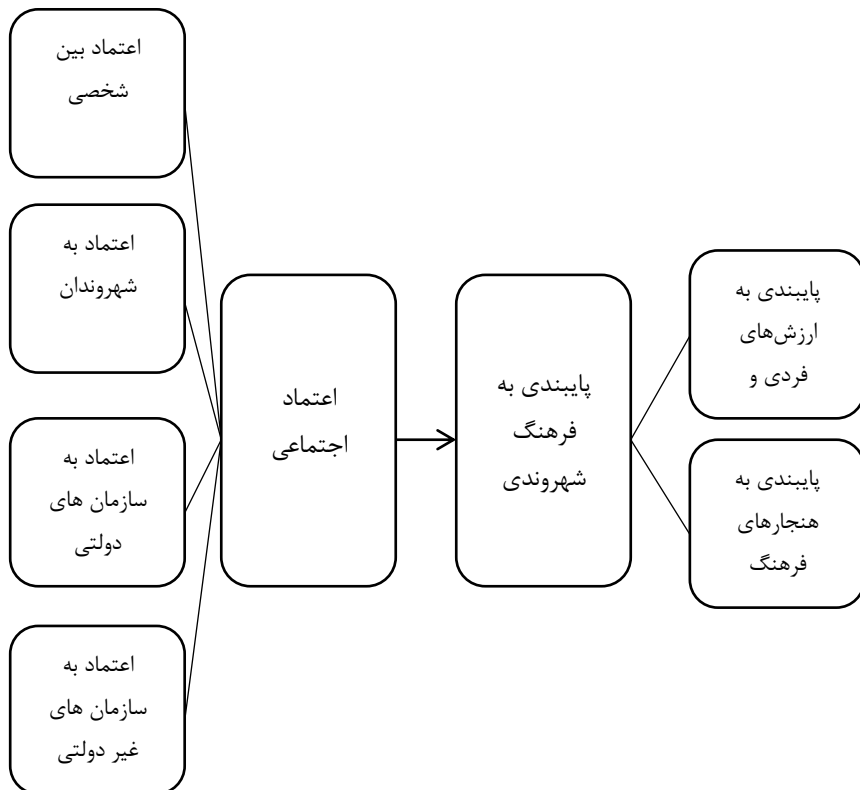
بانوری، نجام و اودح از شیوه کلی اثر‌گذاری فرهنگ جامعه مدنی بر توسعه پایدار سخن می‌گویند نخست جامعه مدنی می‌تواند اصلاحات سیاسی مور نیاز برای توسعه پایدار از پایین به سمت بالا عمیق کند یعنی جامعه مدنی می‌تواند سطح‌های بالا سیاسی جامعه را مجبور به تغییر سیاسی برای رسیدن به توسعه پایدار کند دوم جامعه می‌تواند اصلاح‌های سیاسی برای رسیدن به هدفش که توسعه پایدار است برسد و این امر در سطوح بالای سیاسی جامعه اجرا کند سوم جامعه مدنی پیش شرط اجتماعی، سیاسی و فرهنگی را برای اصلاح‌ها بیافریند و جامعه برای رسیدن به توسعه پایدار آماده کند (بابازاده و همکاران، ۱۳۹۷: ۷۰). دالگرن معتقد است فرهنگ شهروندی یکی از پیش شرط‌های ضروری برای حوزه عمومی قوی و از این دموکراسی است دالگرن به فرهنگ‌های مدنی باور دارد به نظر وی فرهنگ‌های مدنی متأثر از مجموعه‌های از عوامل‌ها هستند که قطعا خانواده و مدرسه در این بین از اهمیت اساسی برخوردار هستند پس از آن‌ها دسته بندی‌های گروهی روابط اجتماعی قدرت، اقتصاد، نظام حقوقی و ظرفیت‌های سازمانی و رسانه تاثیرات ویژه خود را دارند دالگرن فرهنگ مدنی را جریانی شش بعد از روابط متقابل در نظر می‌گیرد که به روش‌های متفاوتی بر یک دیگر تاثیر می‌گذارند شش مولفه عبارتند از ارزش‌ها، اعتماد، آگاهی، کردارها و هویت. دالگرن معتقد بود افراد باید از آنچه در جامعه اتفاق می‌افتد آگاه باشند تا بتوانند در فضای عمومی مشارکت و تصمیم‌گیری کنند (قاعد گیوی و همکاران، ۱۳۹۸: ۸۷).

جمع‌بندی مبانی نظری

در مجموع می‌توان گفت اگرچه فرهنگ شهروندی از گذشته تاکنون مورد توجه اندیشمندان و جامعه‌شناسان بسیاری قرار گرفته است، اما مارشال و ترنر و گراهام و دیگر اندیشمندان به آن توجه ویژه‌ای داشته‌اند. ترنر و مارشال تاکید بسیاری بر بدست آوردن امتیازهای فرهنگی، اقتصادی و اجتماعی دارند و معتقدند شهروندی دسترسی افراد به منابع و وسایل کمیاب را کنترل می‌کند و دسترسی به منابع مورد نیاز به عنوان یک امتیاز مثبت در ایجاد حس تعلق شهروندی و ایجاد تقویت در فرهنگ شهروندی می‌باشد و از آن چه شبکه‌های اجتماعی و منابع دیگر فرهنگی و اقتصادی در جامعه در اختیار می‌گذارند بهره‌مند می‌گردند و خود را در رابطه با جامعه تعریف کنند اما کسانی که نتوانند به این منابع دسترسی داشته باشند یا دسترسی برایشان محدود باشد به همان میزان خودشان را از جامعه جدا می‌بینند و احساس شهروندی شان کمتر خواهد بود. فرهنگ شهروندی از دیدگاه نظریه‌پردازان حوزه مربوطه مانند بانور و نجام و اودح و سایر متفکران به عنوان یک امر و ارزش مشترکی است که افراد جامعه به واسطه کسب اعتماد اجتماعی زمینه توسعه در جامعه را فراهم می‌کنند.

در این راستا، گیدنز معتقد است اعتماد به عنوان زیر ساختار اساسی جوامع صنعتی می‌آمد امروزه اهمیت روزافزون خود را در میان جوامع مدرن صنعتی و از جمله بخش‌ها و سازمان‌های دولتی و غیر دولتی از دست داده است و سطحی از بی‌اعتمادی نسبی نسبت به سود زیان این سازمان‌ها و بخش‌های کارگزاری این عوامل در بین شهروندان به وجود آمده است. کلمن هم معتقد است افراد برای برطرف کردن نیازهای خود دست به فعلیت جمعی می‌زنند و کنش‌ها نوعی مبادله اجتماعی هستند که باعث ایجاد اعتماد بین شخصی در افراد می‌شوند و افراد مبادله‌های اجتماعی را می‌پذیرند و کنش‌های افراد اعتماد کننده اعتماد بین شخصی فرد بستگی دارد. لومان معتقد است اعتماد بنیان اصلی جامعه را تشکیل می‌دهد و وجود آن در جامعه اساسی است از دیدگاه او اعتماد با مفهوم مخاطره و ریسک همراه است و قانون و قدرت مشروع مهمترین عاملی است که باعث ایجاد اعتماد در میان شهروندان می‌شود و تصمیمات آن‌ها راه قانونی را اعمال می‌کند.

همچنین در با مروری بر پیشینه‌های تجربی انجام یافته می‌توان اذعان نمود که اولاً؛ در تعداد معدودی از پژوهش‌ها به صورت مستقیم و مستقل به رابطه بین متغیر اعتماد اجتماعی و میزان پایداری به فرهنگ شهروندی پرداخته شده است؛ در اکثر پژوهش‌های قبلی، اعتماد اجتماعی به عنوان یکی از مولفه‌های سرمایه اجتماعی مورد سنجش قرار گرفته است ولی در تحقیق حاضر، اعتماد اجتماعی به عنوان یک سازه مد نظر بوده که خود با چهار مولفه مورد بررسی قرار گرفته است و نهایتاً این که مسأله مذکور، در شهر قزوین مورد کنکاش و بررسی قرار نگرفته است که تحقیق حاضر سعی در پر کردن خلاءهای پژوهشی مذکور می‌باشد. باتوجه به مباحث مطرح شده، مدل نظری پژوهش به شکل زیر قابل تدوین است:



شکل شماره (۱): مدل نظری پژوهش

فرضیه‌های پژوهش

باتوجه به مباحث مطرح شده در پیشینه‌های نظری و تجربی، فرضیه‌های پژوهش حاضر به شرح زیر تدوین می‌گردد:

بین اعتماد بین شخصی و میزان پایبندی به فرهنگ شهروندی در بین شهروندان شهر قزوین رابطه وجود دارد.

بین اعتماد به شهروندان و میزان پایبندی به فرهنگ شهروندی در بین شهروندان شهر قزوین رابطه وجود دارد.

بین اعتماد به سازمان‌های دولتی و میزان پایبندی به فرهنگ شهروندی در بین شهروندان شهر قزوین رابطه وجود دارد.

بین اعتماد به سازمان‌های غیردولتی و میزان پایبندی به فرهنگ شهروندی در بین شهروندان شهر قزوین رابطه وجود دارد.

روش‌شناسی

پژوهش حاضر از نظر نحوه گردآوری داده‌ها پیمایشی است. بر اساس هدف تحقیق، از نوع کاربردی بوده و از لحاظ میزان ژرفایی جزء تحقیقات پهنانگر می‌باشد. با در نظر گرفتن معیار زمان، مقطعی است. جامعه آماری مورد مطالعه در این پژوهش نیز، کلیه شهروندان شهر قزوین در سنین ۵۹-۱۵ سال شهر قزوین در نظر گرفته شده‌اند، که براساس سرشماری عمومی نفوس و مسکن سال ۱۳۹۵، به تعداد ۳۳۷۵۱۳ نفر می‌باشند که از این تعداد ۴۰۰ نفر با استفاده از فرمول آماری کوکران و به شیوه نمونه‌گیری خوشه‌ای جهت گردآوری اطلاعات لازم انتخاب شدند. نرم افزار مورد استفاده برای تجزیه و تحلیل داده‌ها، نرم افزار SPSS می‌باشد. برای سنجش متغیرهای تحقیق از ابزار پرسشنامه استفاده شده و تمامی گویه‌ها در سطح سنجش رتبه‌ای و در قالب طیف لیکرت تنظیم شده است. جهت تحلیل داده‌ها از آماره‌های توصیفی و استنباطی متناسب با سطح سنجش متغیرها استفاده گردید. همچنین، اعتبار مورد استفاده در این تحقیق از نوع اعتبار صوری است. این نوع اعتبار، یکی از مهمترین انواع اعتبار محتوایی است که

بدین معنا می‌باشد سئوالات آزمون تا چه حد در ظاهر شبیه به موضوعی هستند که برای اندازه‌گیری آن تهیه شده‌اند. در واقع، اعتبار صوری، بررسی اعتبار ابزار اندازه‌گیری با استفاده از شم‌عام و تجربه بوده و وابسته به قضاوت محققان و متخصصان است (حبیب‌پور و صفری، ۱۳۸۸: ۳۰۰). می‌باشد. جهت برآورد پایایی ابزار اندازه‌گیری تحقیق از تکنیک آلفای کرونباخ استفاده شده است. در این راستا، ضرایب پایایی به دست آمده برای تمامی متغیرها، بالاتر از ۰/۷ بوده و از نظر آماری مورد تایید می‌باشد.

یافته‌های توصیفی

براساس نتایج حاصل، میانگین سن پاسخگویان مورد مطالعه، ۳۴/۴۵ سال گزارش شده است، ۵۱/۳ درصد، از پاسخگویان را مردان و ۴۸/۷ درصد را زنان تشکیل می‌دهند. مطابق یافته‌ها، ۴ درصد پاسخگویان دارای مدرک ابتدایی، ۵/۹ درصد راهنمایی، ۲۳/۷ درصد دیپلم، ۲۳/۱ درصد فوق دیپلم، ۳۸/۸ درصد لیسانس و ۷/۳ درصد دارای مدرک فوق لیسانس و بالاتر بودند. ۴۰ درصد نمونه مورد مطالعه را مجردین، ۴۹/۸ درصد را متأهلان و ۷/۹ درصد را مطلقه‌ها و ۲/۳ درصد را همسر فوت شده‌ها تشکیل داده‌اند.

میانگین حاصل برای متغیر اعتماد اجتماعی با انحراف معیار ۴/۲۵ برابر با ۲۴/۴۷ بوده است، در این میان، کرانه پایین نمرات این متغیر، ۱۲، کرانه بالای آن ۴۶ و دامنه تغییر نمرات ۳۴ بوده است. نتایج توزیع درصدی نیز نشان داد که میزان اعتماد اجتماعی ۴۲/۶ درصد پاسخگویان در حد بالا، ۳۰/۲ درصد در حد متوسط و ۱۵/۲ درصد در حد پایینی قرار داشته است. میانگین درصدی نیز برای تمامی مولفه‌ها و سازه اعتماد اجتماعی با ماکزیمم ۱۰۰ و مینیمم ۰، بیشتر از ۶۰ درصد بوده است که این مقدار، بالاتر از حد متوسط قرار دارد. همچنین میانگین نمرات میزان پابندی به فرهنگ شهروندی با انحراف معیار ۶/۲۲، برابر با ۱۵/۱۲ بوده است، به گونه‌ای که حد پایین نمرات ۸، حد بالای آن ۳۲ و دامنه تغییرات ۲۸ می‌باشد. همچنین، میزان این متغیر در بین ۴۹/۱ درصد نمونه مورد مطالعه در حد بالا، در بین ۲۲/۵ درصد در حد متوسط و در میان ۲۹/۴ درصد در حد

پایینی بوده است. میانگین درصدی این متغیر، با ماکزیمم ۱۰۰ و مینیمم ۰، بیشتر از ۵۸/۳ درصد می‌باشد که این میزان، بیشتر از حد متوسط برآورد شده است (جدول شماره ۱).

جدول شماره (۱): آماره‌های توصیفی متغیرهای تحقیق

متغیر	مؤلفه	میانگین	انحراف معیار	ماکزیمم	مینیمم	دامنه تغییرات
اعتماد اجتماعی	اعتماد بین شخصی	۱۱/۱۷	۲/۶۶	۲۵	۷	۱۸
	اعتماد به شهروندان	۱۰/۲۵	۱/۴۸	۲۸	۸	۲۰
	اعتماد به سازمان‌های دولتی	۱۳/۱۲	۲/۵۸	۲۲	۶	۱۶
	اعتماد به سازمان‌های غیر دولتی	۱۲/۵۹	۱/۷۱	۲۲	۶	۱۶
	کل	۲۴/۴۷	۴/۲۵	۴۶	۱۲	۳۴
پایبندی به فرهنگ شهروندی	پایبندی به ارزش‌های فردی و جمعی	۱۰/۱۱	۲/۲۹	۲۶	۸	۱۸
	پایبندی به هنجارهای فرهنگ شهروندی	۹/۸۹	۳/۱۹	۲۸	۷	۲۱
	کل	۱۵/۱۲	۶/۲۲	۳۲	۸	۲۸

یافته‌های استنباطی

با توجه به سطح سنجش متغیر مستقل (فاصله‌ای) و سطح سنجش متغیر وابسته (فاصله‌ای) از آزمون ۲ پیرسون جهت سنجش همبستگی بین متغیرهای مذکور و مولفه‌های مربوطه استفاده شده است. نتایج حاصل از آزمون همبستگی نشان داد که رابطه خطی بین تمامی مولفه‌های اعتماد اجتماعی (اعتماد بین شخصی، اعتماد به شهروندان، اعتماد به نهادهای دولتی و اعتماد به سازمان‌های غیردولتی) با مولفه‌های میزان پایبندی به فرهنگ شهروندی (پایبندی به ارزش‌های فردی و جمعی و پایبندی به هنجارهای فرهنگ شهروندی) در سطح معناداری کمتر از ۰/۰۱ و ۰/۰۵ از نظر آماری معنادار می‌باشد.

نوع رابطه نیز مثبت می‌باشد. به این معنی که با افزایش میزان اعتماد اجتماعی در بین شهروندان مورد مطالعه، میزان پایداری به فرهنگ شهروندی در بین شهروندان شهر قزوین نیز افزایش می‌یابد و برعکس، با کاهش این اعتماد، از میزان پایداری به فرهنگ شهروندی کاسته می‌شود (جدول شماره ۲).

جدول شماره (۲): آزمون همبستگی بین متغیر اعتماد اجتماعی و میزان پایداری به

فرهنگ شهروندی

میزان پایداری به فرهنگ شهروندی				اعتماد اجتماعی
پایداری به هنجارهای فرهنگ شهروندی		پایداری به ارزش‌های فردی و جمعی		
سطح معناداری	ضریب همبستگی	سطح معناداری	ضریب همبستگی	
۰/۰۰۷	*۰/۱۲۵	۰/۰۰۰	**۰/۳۶۲	اعتماد بین شخصی
۰/۰۰۰	**۰/۳۶۹	۰/۰۰۰	**۰/۳۷۱	اعتماد به شهروندان
۰/۰۰	**۰/۳۲۵	۰/۰۰۵	*۰/۱۴۹	اعتماد به نهادهای دولتی
۰/۰۰۸	*۰/۱۳۲	۰/۰۰۰	**۰/۴۴۲	اعتماد به سازمان‌های غیردولتی
۰/۰۰۰	**۰/۴۲۲	۰/۰۰۰	**۰/۴۶۵	اعتماد اجتماعی

** : معناداری در سطح ۰/۰۱ / * : معناداری در سطح ۰/۰۵

همچنین در پژوهش حاضر جهت سنجش تاثیر متغیرهای مستقل بر متغیر میزان پایداری به فرهنگ شهروندی از تحلیل رگرسیونی چند متغیره استفاده شده است. نتایج نشان داد که متغیرهای مستقل حاضر در مدل رگرسیونی، شامل اعتماد بین شخصی، سن، اعتماد به نهادهای دولتی، اعتماد به نهادهای غیردولتی و اعتماد به شهروندان به ترتیب تاثیر معناداری را بر متغیر وابسته داشته‌اند، همچنین متغیرهای مذکور توانسته اند ۲۹/۵ درصد از تغییرات متغیر میزان پایداری به فرهنگ شهروندی را تبیین نمایند (جدول شماره ۳).

جدول شماره (۳): نتایج تحلیل رگرسیونی چند متغیره میزان پایداری به فرهنگ

شهروندی

بررسی هم خطی		P-Value	t	Beta	متغیر	
شاخص تورم واریانس	تولرانس					
۱/۲۵	۰/۹۶۲	۰/۰۰۰	۱۰/۶۷	۰/۵۴۱	اعتماد بین شخصی	
۱/۰۴	۰/۹۴۴	۰/۰۰۰	۸/۲۶	۰/۴۳۲	سن	
۱/۲۴	۰/۹۲۱	۰/۰۰۰	۸/۱۲	۰/۴۲۱	اعتماد به نهادهای دولتی	
۱/۳۲	۰/۹۳۸	۰/۰۰۰	۷/۳۹	۰/۴۱۲	اعتماد به نهادهای غیردولتی	
۱/۲۹	۰/۹۵۱	۰/۰۰۰	۶/۲۸	۰/۳۳۹	اعتماد به شهروندان	
ضریب تعیین و ضریب تعیین تعدیل شده		آماره‌ی دوربین-واتسون		P-Value	F	کل مدل رگرسیونی
$R=0.665$ $R\text{ Square}=0.301$ $\text{Adjusted R Square}=0.295$		۱/۷۵		۰/۰۰۰	۲۴/۶۱	

بحث و نتیجه‌گیری

فرهنگ شهروندی ارزش‌ها و نگرش‌ها و قوانین مشترک بنیادی است که دربردارنده احساس تعلق، تعهد و احترام می‌باشد فرهنگ شهروندی مطلوب، به آن فعالیت و تعهد شهروندی گفته شود که نه تنها اشاره به یادگیری زندگی جمعی دارد بلکه شامل کسب ارزش‌ها، نگرش‌ها، مهارت‌ها و عمل به تعهدات شهروندی است. اعتماد اجتماعی تاثیر بسیاری بر پایداری فرهنگ شهروندان به عنوان قشر اصلی جامعه دارد. در این راستا، هدف پژوهش حاضر نیز مطالعه جامعه‌شناختی رابطه بین اعتماد اجتماعی و میزان پایداری به فرهنگ شهروندی در بین شهروندان شهر قزوین است. یافته‌های پژوهش

حاضر موكد اين موضوع است كه اعتماد اجتماعى نقش مهمى در پايبندى به فرهنگ شهروندان يك جامعه به فرهنگ شهروندى دارد و باعث رعايت كردن و احترام گذاشتن به فرهنگ شهروندى مى‌شود. برنارد باربر در نظريه خودش در مورد اعتماد معتقد است به وجود آمدن نظم اجتماعى و اجراى نقش تكنيكى و تخصصى و انتظار از طرفين براى انجام مسئوليت‌ها و وظايفشان باعث ايجاد يك اعتماد عميق در جامعه مى‌شود كه نقش اساسى و مهمى برخوردار است. لومان نيز در نظريه خود در باب اعتماد اجتماعى اعتماد را يك فعاليت اجتماعى مى‌داند كه تمام اعمال و رفتارهاى انسان در قالب آن شكل مى‌گيرد. آنتونى گيدنز هم در باب اعتماد اجتماعى معتقد است كه اعتماد به چهار بخش تقسيم مى‌شود و تاثيرات اساسى را در جامعه مى‌گذارد كه اين اعتماد از اعتماد دوران كودكى شروع تا اعتماد به مهارت‌هاى تخصصى و فنى و اعتماد به روابطهاى فردى افراد و روابط دوران پيش رفتگى و مدرنيت و دوران بدويت را در بر مى‌گيرد. تى اچ مارشال هم نظر خود را در باب فرهنگ شهروندان مطرح كرده و معتقد است كه فرهنگ شهروندى با طبقه اجتماعى آميخته شده و سه نوع حقوق را شكل داده است. پارسونز هم در باب فرهنگ شهروندى معتقد است كه فرهنگ از اهميت بسيارى برخوردار بوده و به هميشگى بودن آن در زندگى اجتماعى شهروندان تاكيد كرده است و منجر به گسترش فرهنگ شهروندى مى‌شود و بر آن است فرهنگ شهروندى موجب انسجام و استحكام جامعه مى‌شود اعتماد اجتماعى از آنجا كه لازمه زندگى مدرن است و به عنوان پيش نياز زندگى ما است و يكي از شرايط ايده‌آل يك جامعه اعتماد اجتماعى بالاي آن مى‌باشد كه در امر پايبندى و استحكام شهروندان به فرهنگ شهروندى نقش مهمى دارد. همچنين، معنادارى تمامى مولفه‌هاى اعتماد اجتماعى و تاثير متغيرهاى مذكور بر اساس مدل رگرسيونى بر متغير پذيرش فرهنگ شهروندى همسو با بخشى از نتايج تحقيقات تيمورى (۱۳۹۹)، حيدرخانى (۱۳۹۷)، آذين (۱۳۹۶)، نيازى و جعفرپور (۱۳۹۵)، قنبرى و همكاران، مهدوى و عاشورى (۱۳۹۳)، گنجى و همكاران (۱۳۹۳)، همتى و احمدى (۱۳۹۳)، وثوقى و رحمانى (۱۳۹۲)، اذانى و همكاران (۱۳۹۰)، قريشى و صداقت (۱۳۸۸)،

هاشمیان فر و گنجی (۱۳۸۸)، شولا و همکاران (۲۰۲۰)، کیو و همکاران (۲۰۱۹)، الکندری و ویت (۲۰۱۹)، نیکولتا پوسیکو (۲۰۱۸)، تندر و همکاران (۲۰۱۸)، ایویگلو (۲۰۱۶)، گوانگ کو و یانگ (۲۰۱۵)، موکوس و همکاران (۲۰۱۲)، میدلتون (۲۰۱۱)، پارک و شین (۲۰۰۳)، روش (۲۰۰۱)، لی (۱۹۹۹) می باشد. نهایتاً؛ پیشنهادات زیر در راستای نتایج پژوهش حاضر قابل طرح می‌باشد: آموزش به شهروندان در جهت قانون‌مندی و هنجار پذیری در شهر؛ اصلاح نگرش شهروندان نسبت به مفاهیم شهر، شهرداری و شهروندی؛ انتخاب مدیران و مسئولین شهری از بین افراد متخصص دارای صلاحیت‌های اخلاقی و حسن معاشرت با مردم؛ انجام نظرسنجی و ارزیابی مستمر از عملکردها، فرایندها و رضایت مخاطبین؛ رسیدگی به مشکلات شهری و عمل به وعده‌ها و برنامه‌های پیشنهادی در راستای بالا بردن سطح اعتماد نهادی و سازمانی شهروندان.

منابع

- ازانی، مهری؛ حاتمی، مجتبی و حاتمی، حسین. (۱۳۹۰). تحلیلی بر فرهنگ شهروندی شهر یزد، فصلنامه برنامه‌ریزی فضایی، دوره ۱، شماره ۱، صص ۱۰۲-۸۱.
- بابازاده، وحید؛ زارع، بیژن و سبکتکین، قربانعلی. (۱۳۹۷). مطالعه ارتباط سرمایه اجتماعی و حقوق شهروندی با آگاهی از مفهوم توسعه پایدار و مولفه‌های اجتماعی آن (مطالعه موردی: شهروندان مشگین شهر)، فصلنامه توسعه اجتماعی، دوره دوازدهم، شماره ۳، صص ۹۴-۶۴.
- بخارایی، احمد؛ شربتیان، محمد حسن و کبیری، لیلا. (۱۳۹۶). تحلیل جامعه‌شناختی وضعیت شهروندی فرهنگی (مطالعه موردی شهروندان تنکابن)، مجله جامعه‌شناسی کاربردی، دوره ۲۸، شماره ۲، صص ۲۱۶-۱۷۹.
- بهرامی، ولی؛ نیازی، محسن؛ موسوی، سید محسن و سهراب‌زاده، مهران. (۱۳۹۸). تحلیلی بر فرهنگ شهروندی و عوامل موثر بر آن (مورد مطالعه استان لرستان)، مجله مطالعات اجتماعی ایران، دوره ۱۳، شماره ۱، صص ۵۹-۳۱.
- تاج‌الدین، محمد باقر. (۱۳۹۲). اعتماد اجتماعی و عوامل اجتماعی موثر در آن (مورد مطالعه:

- کارکنان دانشگاه آزاد اسلامی تهران شرق)، نشریه مطالعات جامعه‌شناختی ایران، دوره سوم، شماره ۸، صص ۲۱-۴۲.
- تیموری، سعید. (۱۳۹۹)، طراحی و تدوین مدلی کمی برای توسعه فرهنگ شهروندی در کلان شهر تهران، نشریه مطالعات رفتاری در مدیریت، سال یازدهم، شماره ۲۳، صص ۶۷-۵۴.
- حیدرخانی، هابیل. (۱۳۹۷)، بررسی نقش سرمایه اجتماعی در پابندی به فرهنگ شهروندی در بین شهروندان شهر کرمانشاه، فصلنامه تحقیقات فرهنگی ایران، دوره یازدهم، دوره ۲، صص ۷۸-۵۱.
- سلیمیان، سهیل. (۱۳۹۶)، بررسی ارتباط هویت اجتماعی و فرهنگ شهروندی در شهر تهران، فصلنامه علوم اجتماعی دانشگاه آزاد اسلامی واحد شوشتر، سال یازدهم، شماره سوم، صص ۱۳۱-۱۵۴.
- قاعد گیوی، فرود؛ حقیقتیان، منصور و بهیان، شاپور. (۱۳۹۸)، تحلیل رابطه هویت ملی و پابندی به فرهنگ شهروندی (مورد مطالعه کلان شهر شیراز)، فصلنامه مطالعات ملی، سال بیستم، شماره ۷۷، صص ۱۰۴-۷۹.
- قریشی، فخرالسادات و کامران، صداقت. (۱۳۸۸)، بررسی نقش عوامل فرهنگی - اجتماعی مرتبط بر شکل‌گیری اعتماد اجتماعی شهروندان تبریز، مجله جامعه‌شناسی کاربردی، دوره بیستم، شماره، صص ۱۰۲-۷۹.
- قیومی، راحله. (۱۳۹۶)، شهروندی فرهنگی و تفاوت‌های جنسیتی، نشریه هفت شهر، شماره ۵۷، صص ۹۴-۸۵.
- کلمن، جیمز. (۱۳۷۷)، بنیادهای نظریه اجتماعی، ترجمه منوچهر صبوری، تهران: نشر نی.
- گنجی، محمد؛ نیازی، محسن و اسلامی بزرکی، زهرا. (۱۳۹۴)، نقش سرمایه اجتماعی و فرهنگی در میزان احساس شهروندی، نشریه مطالعات جامعه‌شناختی شهری، دوره ششم، شماره ۷، صص ۵۶-۲۹.
- گیدنز، آتوننی. (۱۳۷۷)، پیامدهای مدرنیت، ترجمه محسن ثلاثی، تهران: نشر مرکز.
- معیدفر، سعید و جهانگیری، پرویز. (۱۳۸۸)، با عنوان اعتماد اجتماعی تعمیم‌یافته و عوامل اجتماعی موثر بر آن (مطالعه موردی شهر ارومیه)، دانشنامه علوم اجتماعی تربیت مدرس، دوره یکم، شماره ۱، صص ۶۷-۴۷.

مهدوی، سید محمدصادق و عاشوری، علی. (۱۳۹۳). با عنوان بررسی عوامل اجتماعی و اقتصادی موثر بر ارتقاء فرهنگ شهروندی (مورد مطالعه: شهر بوشهر)، **مجله مطالعات توسعه اجتماعی ایران**، دوره ششم، شماره ۴، صص ۳۶-۲۳.

میری، سمیه؛ سهرابزاده، مهران و نیازی، محسن. (۱۴۰۰)، مطالعه فرا ترکیب فرهنگ شهروندی در جامعه ایران، **مجله جامعه‌شناسی اقتصادی و توسعه**، سال دهم، شماره ۱، صص ۵۲-۲۵. نیازی، محسن و جعفرپور بزرگی. (۱۳۹۵)، تبیین عوامل اجتماعی و فرهنگی موثر بر پایبندی به فرهنگ شهروندی شهروندان تهرانی در سال ۱۳۹۳، **فصلنامه راهبرد اجتماعی فرهنگی**، سال پنجم، شماره ۹، صص ۲۳۲-۲۰۱.

نیازی، محسن؛ جعفرپور بزرگی، مرتضی و پروری آرانی، زینب. (۱۳۹۳)، بررسی رابطه بین سرمایه اجتماعی و میزان پایبندی به فرهنگ شهروندی (مطالعه موردی: شهروندان شهر تهران در سال ۱۳۹۳)، **فصلنامه مطالعه میان فرهنگی**، سال دهم، شماره ۲۵، صص ۱۵۷-۱۲۷. نیازی، محسن؛ جعفرپور بزرگی، مرتضی و شفائی مقدم، الهام. (۱۳۹۳)، تبیین رابطه هویت های سه گانه فردی، اجتماعی و ملی با میزان پایبندی شهروندان به فرهنگ شهروندی (مورد مطالعه شهروندان شهر تهران در سال ۱۳۹۳)، **مجله مطالعات توسعه اجتماعی ایران**، دوره ۶، شماره ۴، صص ۸۵-۷۱.

هاشمیان‌فر، سید علی و گنجی، محمد. (۱۳۸۸)، تحلیلی بر فرهنگ شهروندی در شهر اصفهان، **مجله جامعه‌شناسی کاربردی**، سال بیستم، شماره ۱، صص ۴۴-۲۵.

آذین، احمد. (۱۳۹۶)، بررسی نقش سرمایه اجتماعی در پایبندی به فرهنگ شهروندی در بین شهروندان شهر اصفهان، **مطالعات جامعه‌شناختی شهری**، سال هفتم، شماره ۲۴، صص ۱۱۱-۸۶.

گنجی، محمد؛ نیازی، محسن و عسکری کویری، اسما. (۱۳۹۳)، تحلیلی بر فرهنگ شهروندی با تاکید بر آموزش شهروندی، **مطالعات جامعه‌شناختی شهری**، سال چهارم، شماره ۱۲، صص ۱۰۰-۷۴.

همتی، رضا و احمدی، وکیل. (۱۳۹۳). با عنوان تحلیل جامعه‌شناختی از وضعیت فرهنگ شهروندی و عوامل تبیین‌کننده آن (مورد مطالعه: شهر ایوان)، **فصلنامه برنامه ریزی رفاه و توسعه اجتماعی**، دوره پنجم، شماره ۱۸، صص ۱۸۳-۱۳۹.

- Eyupoglu, S., The organizational citizenship Behaviour, Cultural of Academic staff in North Cyprus, Journal Procedia Economic and Pinance (39), 701-704.
- Guang Qu, W., Yang, Z. (2015). The effect of uncertainty avoidance and social trust on supply chain collaboration, Journal of Business Research, 68(5), 911-918.
- Haiiao, A. (2018). Across Cultural meta-analysis of hoe leader emotional intelligence. Journal of Business Research, (89), 27-36.
- Harwiki, w. (2016), the Impact of servant Leader ship on organization culture organizational commitment organizational citizenship behaviur (OCB) and Employee performance in women cooperatives, Journal social and Behavioral sciences, (216), 283-290.
- Justwan, F., Bakker, R., Berejikian, D., (2018). Measuring social trust and trusting the measure, the social science journal, 55(2), 149-159.
- Lee, W. (1999). Qualities of citizenship culture new centry : perception of Asian Educaton at Leaders, Journal paper presented at the FiFth unescoaceid In ternotionalcon Ference on Reforming Learning , Journal curriculum, (22), 98 -115.
- Mockus, A . (2012). BulLDing citizenship culture in BoGota, Journal of international Affairs, (15), 143-146.
- park , ch ., Minshin, D. (2003). Social capital and democratic citizenship: the case of South Korea, Journal 6workin paper series, (12), 165-174.
- Piangtan, D., Banu, Z., Osman, R., Mahdi, N. (2018). Moral values and good of moral education texbooks in content analysis. Journal of Social Studies Research, 2(42), 119-134.
- Qiu ,Sh., Alizadeh , A ., Dooley , L., Zhang , R. (2019) the effects of authentic leadersship on trustin in leaders organizational citizenship culture behavior and service quality in the chinese hospital industry ,Journal of Hospitality and tourism Mongemen19(40),77-87.
- Roche, M. (2001). Citizenship culture among the popular the Europe, Journal culture and Citizenship (10), 74 -98.
- shulla,K., Filho, W., sommer, J., salvia, A., Borgmeister, ch (2020). Channels collaboration for citizenship cultural science and sustainable development goals, Journal of cleaner Production (264), 1-13.

- Tonder, E., saunders, S., Lisita, I., Tielman de Beer, L.(2018). The importance of customer citizenship behaviour, cultural in the modern retail enviroment Introducing and testing a social exchange model, *Journal of Retalling and consumer services*,(45),92-102.
- White, C., Alkandari, K. (2019) .the influence of citizenship culture and in Frastructure on CRS and Country image: the Case of Kuwait, *Journal public Relations Review*, (45), 1-10.
- Popescu, R., Frantz fistung, D., Popescu,T.,Mihaela popescu, A.(2018). Is the organization citizenship Behavior , cultural Predictor for the cultural Intelligence, *Journal social an Behavioral sciences*,(238), 638-646.